



ازدواج آسمانی

جهیزیه نخریدیم فقط به چمدان گرفتیم چهارده تومن که اندازه لباس هایمان جا داشت پدر پول جهیزیه ام را نقد داد دستم. خودش ارتشی بود می دانست زندگی مان خانه به دوشی است. گیتی زنده نام همسر شهید حسن آشناسان



بررسی آسیب‌های ازدواج نکردن در شاهد جوان

ازدواج یعنی همدلی

علی اکبر سرباز شندی

شاهد افزایش سن ازدواج خواهیم بود. توقعات نابجای خانواده‌ها، باورهای غلط خانواده‌ها، مهریه و جهیزیه بسیار، مراسم عروسی، ادامه تحصیل و تحولات جدید در حوزه زنان، اعتقاد به داشتن زندگی آزاد، فراهم بودن زمینه ارضای نامشروع، وسواس بیش از حد در انتخاب همسر، مسائل اعتقادی، عدم امکان آشنایی قبیل از ازدواج و همراه نبودن پدر و مادر و گروه‌های واسط و مسائل مالی از عوامل مهم در تأخیر ازدواج جوانان محسوب می‌شود.

وی درباره آسیب‌های ناشی از تأخیر در ازدواج می‌گوید: «ازدواج نکردن و یا دیر ازدواج کردن جوانان آسیب‌های کوتاه مدت و بلند مدتی بر روح و روان پسران و دختران می‌گذارد، دختران به واسطه روحیه لطیف و حساسی که دارند آسیب شدید روحی می‌بینند این مسئله بیشتر از دیگر آسیب‌ها دختران را اذیت می‌کند.

بی‌اعتمادی به جنس مخالف، افسردگی، احساس یاس و ناکامی، ترک تحصیل و بی‌انگیزگی در زندگی در دخترها بیشتر از پسرها دیده شده است. همچنین بی‌رغبتی در ازدواج برای پسران نیز موجب بی‌مسئولیتی در زندگی شخصی و خانوادگی‌شان می‌شود. بی‌اخلاقی در آنان گسترش پیدا می‌کند و در نتیجه به سمت مواد مخدر و روابط نامشروع گرایش پیدا می‌کنند.»

نقش گروه‌های واسط در ازدواج

به اعتقاد بسیاری از کارشناسان مسائل اجتماعی یکی از مهم‌ترین علت‌هایی که ازدواج جوان را با تأخیر مواجه کرده است نبود گروه‌های واسط برای آشنا کردن خانواده‌های دختر و پسر است. این مسئله موجب شده است تا جوانان مسئولیت چندانی در قبیل ازدواج نداشته باشند و خانواده‌ها هم نسبت به ازدواج فرزندان‌شان بی‌انگیزه شوند.

امیدی در این باره توضیح می‌دهد: «درصد بسیاری از دختران و پسران آمادگی ازدواج را دارند آنان تنها منتظر هستند از سوی افرادی تشویق به ازدواج شوند اما متأسفانه هم اکنون فردی نیست که خود را مسئول ازدواج جوانان بداند. گروه‌های واسط که دختران و پسران را با هم آشنا می‌کردند نقش خود را در جامعه از دست داده‌اند.»

وی تأکید می‌کند: «تحقیقات ما نشان می‌دهد که جوانان دانشگاهی از ترم یک تا سه به شدت علاقه‌مند

کارشناسان امر ازدواج در کشور معتقدند هم اکنون مهم‌ترین علت تأخیر ازدواج جوانان در کشور موانع خانوادگی، فرهنگی و اجتماعی است و مسائل مالی و اشتغال در رغبت نداشتن جوانان به ازدواج نقش کمتری دارد.

وجود ۴ میلیون متأخر در ازدواج (یعنی ازدواج در سن بالای ۳۵ سال برای پسران و بالای ۲۷ سال برای دختران)، نزدیک به یک میلیون نفر جوان با شانس ازدواج بسیار کم در جامعه و ۱۵ میلیون جوان در آستانه ازدواج زنگ خطری برای خانواده‌ها و مسئولان محسوب می‌شود. این مسئله نشان می‌دهد که جامعه از حالت هشدار عبور کرده و به مرحله بحران رسیده است و اگر خانواده‌ها نسبت به این بحران غفلت کنند آینده مهم و نه چندان خوشی در انتظار آنهاست.

به اعتقاد بسیاری از کارشناسان رویکرد خانواده‌ها باید به امر ازدواج جوانان تغییر کند چرا که عمده‌ترین علت ازدواج نکردن جوانان توقعات نابجای خانواده‌ها و باورهای غلط آنان (چشم و هم چشمی) در امر ازدواج است و اشتغال، مسکن و مسائل مالی در اولویت بعدی آنان قرار دارد. مدیر کل امور فرهنگی سازمان ملی جوانان در گفت‌وگو با خبرنگار «ایران» مسئله مالی را عامل اصلی بی‌رغبتی جوانان در ازدواج نمی‌داند.

مجید امیدی در این باره می‌گوید: «متأسفانه هم اکنون همه تصور می‌کنند که علت ازدواج نکردن جوانان بیکاری و نبود مسکن است. این موضوع در حالی در جامعه تفهیم شده است که براساس تحقیقات سازمان ملی جوانان بیش از ۹۰ درصد جوانان مجرد دارای شغل هستند و ۵۰ درصد از این جوانان نیز دوشغله‌اند. به عنوان مثال سازمان ملی جوانان مسئله ازدواج جوانان استان خراسان شمالی که محروم‌ترین استان کشور است را به صورت پایلوت مورد بررسی قرار داده است. این استان حدود ۲۰ هزار جوان در آستانه ازدواج دارد که حدود ۳ هزار و ۵۰۰ نفر از این جوانان استخدام رسمی ادارات دولتی هستند. اشتغال جوانان این استان نیز در ادارات رسمی و دولتی بسیار بالاست. وضع اشتغال جوان در آستانه ازدواج در یک استان محروم نشان می‌دهد که بیکاری و نبود شغل مهم‌ترین مانع در ازدواج نیست و این موضوع اظهار نظری بیهوده است.»

مجید امیدی معتقد است: «علت اصلی تأخیر در ازدواج جوانان مشکلات فرهنگی در خانواده‌هاست. تا زمانی که نگرش خانواده به مقوله ازدواج تغییر نکند ما

ازدواج هستند، اما به علت نبود گروه‌های واسط و بی‌توجهی خانواده‌ها آنان از ترم چهار به بعد انگیزه لازم برای ازدواج را از دست می‌دهند. خانواده‌ها باید توجه داشته باشند میل جوان به ازدواج را تا زمانی که جوان علاقه‌مند است باید پاسخ داد. متأسفانه هم اکنون برخی خانواده‌ها آموزه‌های سنتی و دینی را کنار گذاشته‌اند.

ازدواج در فرهنگ ایرانی جایگاه بسیار بالایی داشت. ما فرهنگ غنی داریم و می‌توانیم بر اساس آموزه‌های دینی، اعتقادی، فرهنگی و سنتی جوابگوی همه مشکلات مربوط به ازدواج جوانان خود باشیم.»

نقش خانواده در ازدواج جوانان

زمانی ازدواج برای جوان پراهمیت است که برای خانواده از اهمیت چندانی برخوردار نیست و زمانی می‌رسد که ازدواج برای خانواده اولویت می‌شود و دیگر برای جوان اولویت نیست. بنابراین می‌توان گفت خانواده نقش پراهمیتی را در ازدواج جوانان دارد و بی‌توجهی خانواده در ازدواج بهنگام جوان صدمات و پیامدهای بسیاری را برای افراد خانواده وی دارد.

دکتر امیدی نقش خانواده‌ها را در انتخاب همسر برای فرزندان بسیار مهم می‌داند و می‌گوید: «خانواده‌ها باید بهترین راهنما و مشاور برای فرزندان‌شان باشند. در حالی که برخی خانواده‌ها، زمانی که جوان نیاز به همسر دارد و این مسئله را به اطلاع خانواده می‌رساند، با قرار دادن موانعی همچون ادامه تحصیل، شغل مناسب و مسکن از این مسئله جلوگیری به عمل می‌آورند. بیشتر خانواده‌ها برای ازدواج فرزندان‌شان حتی به اندازه مسائلی چون تحصیل به موقع، سربازی،

چرا ازدواج می‌کنیم؟

به فرد و غیر متشابه در نظام خلقت، اصالت دارد و هر آدمی خود جهانی است پیچیده و متنوع و عمیق لذا ازدواج نمی‌تواند و نباید هویت فردی و اصالت وجودی آدمی را از وی بستاند.

مثلاً هر انسانی توانایی، استعداد و علائق خاصی دارد نمی‌شود به بهانه ازدواج و زیر یک سقف بودن و در جهت همدلی و یگانگی با هم به تفاوت و توجه به این تفاوت‌ها بی‌تفاوت بود یا یکی به نفع دیگری از این مسائل فردی چشم‌پوشد و یا اینکه برای اثبات عاشقی و دوست داشتن مثل دیگری شویم چه بسا در نگاه عرفی به عشق و ازدواج، صحبت از یگانگی و ادغام یک روح در هم و یکدل و یک زبان و یک انسان شدن به معنی صداقت و عشق و محبت باشد اما این تصور در عالم واقع نه ممکن است نه مطلوب. شاید انسانی برای مدتی بتواند به خاطر دیگری خود را نادیده بگیرد اما دوام این وضعیت بسیار کوتاه است. ازدواج به معنی استحاله در دیگری نیست.

مثلاً نظام زیبایی شناختی هر انسانی با دیگری فرق دارد عشق و ازدواج موفق به این معنی نیست

هر چه از نظر دیگری زیباست لزوماً در چشم من نیز زیبا باشد یا من از یک رنگ یا بوی خاص خوشم می‌آید چگونه به خاطر معشوق ناگهان از درون و ذات، من بی‌ارزش می‌شود و معنی گذشته را ندارد. متأسفانه آنچه در جامعه ما به ویژه زوج‌های جوان دیده می‌شود این است که زن و مرد همدیگر را به خاطر تفاوت در فردیت متهم به درک نکردن، ناسازگاری، عدم تفاهم و گاه خیانت می‌کنند.

مرز میان فردیت و احترام به دیگری، استقلال و عشق و محبت و مرز میان هویت و حریت با زوجیت معلوم نیست اصلاً گاهی لازم است که زوجین برای خود خلوت کنند و با خود باشند

تنهایی ظاهری حق مسلم هر زوجی است. احترام به تفاوت‌های فردی در عین لذت با هم بون حلقه مفقوده‌ای است که در ازدواج‌های ما گم شده است.

زندگی زناشویی باید به مثابه رودخانه‌ای باشد که زن و مرد در آن به دریای مقصود برسند نه اینکه برای هم مرداب شوند البته شاقول این وزنه همواره باید بر نقطه تعادل میزان شود نه فردیت و من بودن آدمی به پای زوجیت و ما شدن از بین برود و به رسمیت شناخته نشود و هم اینکه همدلی و با هم بودن به پای هویت فردی فنا شود و به هیچ گرفته شود. ازدواج باید فردیت را در درون خود رشد دهد و به تعالی برساند تا هویت آدمی همواره حفظ شود.

و یادمان باشد که ازدواج مصداق این آیه است که ما زن و مرد را برای آرامش هم آفریدیم.

ازدواج چه به لحاظ مفهوم لغوی و چه از نظر مصداق اجتماعی و جنبه عملی ظاهراً با فردیت در تضاد است. به این معنی که هم از منظر لفظ و هم در مقام واقعیت عینی با ازدواج، یک پدیده، شی و یا موجودی از حالت فردی و تک افتادگی خارج و با دیگری می‌آمیزد و زوج می‌شود. گویی فلسفه ازدواج نیز در همین با هم بودن و رهایی از تنهایی است.

ظاهراً انسان نمی‌تواند تنها باتکیه بر خود و تنها از پس زیستن در این جهان پیچیده و دشوار برآید. او نیازمند به همدلی و هم‌بانی است تا با همکاری و همسر بود، این بار امانت را به سر منزل مقصود برساند.

تحمل غم تنهایی بسیار سنگین و طاقت‌فرسا است و بسیاری از ازدواج‌ها به خاطر فرار از تنهایی و چالش‌های آن صورت می‌گیرد که البته خود این مساله نیز یکی از نقاط آسیب‌خیز زندگی زناشویی است. به هر حال در ضمیر ناخودآگاه جامعه، ازدواج فرایند تبدیل من به ما است. پروسه تحول آدمی از خود محوری به با هم بودگی!

در بحث آسیب‌های زندگی مشترک نیز همواره انگشت اتهام به سوی به هم خوردن این ارتباط است یعنی همواره به ویژه در تفکر سنتی جامعه و هماهنگی یک زوج کمرنگ می‌شود و به جای با هم بودن و ما شدگی از من و خود محوری صحبت می‌کنند اختلافات شروع می‌شود و همیشه تأکید می‌گردد که ازدواج یعنی با هم بودن، با هم فکر کردن و با هم زندگی کردن

لذا زمانی که سایه فردیت بر سرزمین زندگی زناشویی سایه می‌افکند، خورشید مهر و محبت رو به خاموشی می‌گراید و سرمای خودخواهی و منیت به تدریج زیر پوست همدلی و هم‌زبانی نفوذ کرده و استخوان‌های اتحاد و وفاق را سست و شکننده می‌کند.

این در حالی است که اگر عمیق‌تر و بدور از مؤلفه‌های سنتی و مبتنی بر رویکردهای روان‌شناختی و انسان‌شناسی به این مساله بنگریم در می‌یابیم که اتفاقاً یکی از گلوگاه‌های حساس و اساسی در اختلافات زناشویی و آسیب‌شناسی نظام خانواده توجه نکردن، سرکوب و تحقیر فردیت و هویت فردی افراد در ازدواج و زندگی مشترک است.

درست است که با ازدواج، آدمی بر خلاف گذشته دیگر نباید تنها بر پایه چرخ خویش بچرخد و حضور دیگری باید متعهد و التزام اخلاقی به دنبال داشته باشد و درست است که ازدواج با هم زندگی کردن است اما برای هم زیستن یا در هم زیستن نیست. هر انسانی در نهایت به عنوان یک موجود خاص و منحصر

دارا بودن شغل مناسب، برخورداری از مسکن شخصی و خرج‌های سنگین اولویت و ارزش قائل نیستند، در حالی که برای جوانان، ازدواج در آن زمان اولویت اول است. با این حال بی‌توجهی خانواده به ازدواج موجب می‌شود تا مسئله ازدواج در اولویت‌های بعدی جوان قرار گیرد. این مشکل در جامعه‌ای که انحرافات و فضاهای مجازی در آن روز به روز در حال گسترش است باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد.»

وی تأکید می‌کند: «اگر خانواده‌ها از طریق یک نظام کارآمد آموزشی با فرهنگ ازدواج صحیح، آسان و به موقع آشنا می‌شدند و این فرهنگ سازی نهادینه می‌شد امروز هم می‌توانستیم انتظار داشته باشیم که نحوه نگرش خانواده‌ها متفاوت بوده و نگاه‌هایشان منوط به آن فرهنگ صحیح باشد.»

فضای باز جامعه مانع ازدواج جوانان

با این وجود برخی از کارشناسان مسائل ازدواج نسبت به فضای باز جامعه خرده می‌گیرند و می‌گویند یکی از مهم‌ترین عواملی که جوانان رغبت چندانی به ازدواج ندارند وجود فضای باز ارتباطی است. امیرحسین بانکی، کارشناس ازدواج در این باره می‌گوید: «هم اکنون جوانان ما به علت فضای آزاد ارتباطی دچار کم‌رغبتی در ازدواج شده‌اند. توسعه روابط دختران و پسران در جامعه موجب شده است تا دیگر نه پسران و نه دختران علاقه‌ای برای تشکیل خانواده نداشته باشند و متأسفانه مشکلاتی هم که در این نوع ارتباط برای جوانان ایجاد می‌شود آنان را نسبت به جنس مخالف خود بدبین می‌کند. جوانان جامعه باید نسبت به فضای باز اجتماعی که خودشان برای خود ایجاد کرده‌اند تجدیدنظر کنند تا شاید بتوانند مشکل مهم‌تر خود را که همان ازدواج است، برطرف کنند.»

از سوی دیگر دکتر مجید اهری، آسیب‌شناس نیز درباره علل تأخیر سن ازدواج در جامعه می‌گوید: «رغبت‌های نابه‌جای برخی خانواده‌ها در انتخاب همسر آینده فرزندان خود، عدم آموزش مهارت‌های اجتماعی و زندگی به جوانان درباره انتخاب و نحوه اجرای مقدمات ازدواج، رقابت‌های دختران با یکدیگر به ویژه با دوستان و اقوام متأهل درباره شرایط مالی همسران آینده خود، ویژگی‌های ظاهری و عدم تفاهم فرزندان با خانواده‌ها درباره استانداردهای انتخاب همسر عوامل اصلی پائین آمدن آمار ازدواج در جامعه است.»

